

همایش بین المللی تحقیق و نوآوری در هنر و علوم انسانی

International Conference on Innovation and Research In Arts and Humainties

نشان جمشید در میان پیامبران سامی

1- دکتر زهره سرمد

2 - دکتر احمد روستایی شلمانی

3 - دکتر منیره خلیلی محله

1 - استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری (یادگار امام)؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد لنگرود، دانشگاه آزاد اسلامی، لنگرود، ایران.

Zohreh_sarmad1@yahoo.com

2 - مربی ، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان.

Roostaei_ahmad@yahoo.com

3 - مربی ، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر؛ عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد شبستر ، دانشگاه آزاد اسلامی ، شبستر ، ایران

kalilimm@yahoo.com

چکیده:

جمشید از جمله شخصیت های هندوایرانی است که بر اثر تحولات مختلف از عالم اسطوره به حماسه در آمده و به جهت نقشی که در ایجاد و گسترش تمدن آریانه های هندو ایرانی و تقدسی که در میان ایشان داشته، در اساطیر و دایمی به صورت یکی از ایزدان و در حماسه های اوستا و شاهنامه به صورت یکی از شاهان بزرگ در آمده است و به جهت تعظیم، تکریم و حفظ تقدس نام و یاد او، برخی از روایات برجسته ی پیامبران سامی در او ادغام شده است؛ چنانکه با بررسی شخصیت حماسی جمشید با برخی از این پیامبران نظیر داوود، سلیمان و نوح می توان به وجوه اشتراکی بین ایشان دست یافت که این موضوع به ناخودآگاه مشترک جمعی بشر، کهن الگو، تأثیرپذیری فرهنگی، وضعیت سیاسی پس از اسلام و میزان اعتقاد و باور جامعه بر می گردد.

واژه های کلیدی : جمشید- شاهنامه - پیامبر - سامی - اسطوره - حماسه - وجوه مشترك

The Mark /Trace of Jamshid in Semitic Prophets

D. zohreh sarmad

D. ahmad roostaei

D. monireh khalili mahalleh

Assistant Professor of Persian language and literature iau shahr rey
Branch

Young Researchers and Elite Club ,Langaroud Branch, Islamic Azad
university, Langaroud,Iran

Zohreh_sarmad1@yahoo.com

Lecturer of Persian language and literature, iau, lahijan Branch.
Roostaei_ahmad@yahoo.com

Lecturer of Persian language and literature, iau shabastar Branch

Young Researchers and Elite Club , shabastar Branch, Islamic Azad
university, shabastar Iran

kalilimm@yahoo.com

Abstract

Jamshid is one of the Indo-iranian characters, who was transferred from mythology to epic world, owing to various evolutions and became one of the gods in Veda mythology and also one of the greatest kings in Avesta and Shahnameh mythology through its role in extension and construction of Indo-iranian civilization and also sanctity among their people; and following obeisance, reverence, and keeping his name sacred, some significant tales concerning Semitic prophets were conflated with his figure, so that in comparison his epic characteristic with prophets such as Davood, Soleyman and Nooh, it can be concluded that they have some mutual aspects, and this issue is originated from human collective unconscious, archetypes, cultural affecting, political issues of Islam and the degree of belief and trust in society.

Key Word

Jamshid, Shahnameh, Prophet, Semitic, Myth, Epic, Mutual Aspects

مقدمه:

فرهنگ ایران تلفیقی از فرهنگ آسیای غربی و فرهنگ آریایی هندوایرانی است، آریایی‌ها پس از مهاجرت به فلات ایران داستان‌ها و روایاتی از گذشتگان هندوایرانی خود که در یک جا زندگی می‌کردند، به همراه آوردند، یکی از این افسانه‌ها مربوط به جمشید، از خدایان مشترک هندوایرانی بود که بر اثر تفکرات مذهبی در فرهنگ ایرانی از مقام ایزدی به مقام پادشاهی رسیده بود.

بومیان کشاورز آن زمان فلات ایران تا حدی تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرین بودند. آریان‌ها، به تدریج از این فرهنگ بومی تأثیر پذیرفتند و اندک اندک تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرین نیز قرار گرفتند و بسیاری از اساطیر این سرزمین را با اساطیر خود تلفیق کردند و افعال بزرگ شخصیت‌های اساطیری آنان را به اساطیر خود نسبت دادند و گرفتند و این ارتباط متقابل ادامه یافت و در کتب مذهبی زردشتی، مسیحی و یهودی نوشته شد تا پس از ظهور اسلام که دیگر روایت و پرداختن به افسانه‌ها و داستان‌های گذشتگان ایرانی، مجوسیات، دشوار گردید؛ با این وضعیت بسیاری از روایات و افسانه‌ها فقط برای اینکه محفوظ بمانند به نام پیامبران بنی اسرائیل ثبت گردیدند، تا امروز که دیگر امکان دسترسی به منابع اصلی وجود ندارد، جدا کردن و قرار دادن حد هر کدام از این شخصیت‌ها بسیار دشوار است. اما حال با توجه به اینکه کتاب مقدس قرآن هیچ‌گونه تحریفی نشده، اندکی امکان جدا پذیری افعال شخصیت‌های اساطیری و حماسی ایرانی و سامی وجود دارد.

یکی از پایه‌های تحول اساطیر ایرانی مسأله‌ی ادغام است، به این صورت که گاه افسانه‌های گوناگونی از شخصیت‌های اساطیری مختلف در شخص خاص یا خدای خاصی گرد می‌آیند. مصداق آشکار این تحول در داستان زندگی جمشید به چشم می‌خورد، به این صورت که بسیاری از احوال و افعال پیامبران سامی در او ادغام شده است که با بررسی بیشتر می‌توان بین او و برخی از ایشان نظیر: نوح، داوود و به خصوص سلیمان به وجوه اشتراکی دست یافت. علت اصلی جنبه‌های مشترک بین جمشید و پیامبران سامی، جدا از تأثیر فرهنگ عظیم بین‌النهرین، تلفیق و ترکیب اساطیر همسایه و ظهور اسلام، مربوط به لایه‌ی ناخودآگاه جمعی بشر است؛ بنا به نظر کارل گوستاو یونگ ذهن انسان از دو بعد خودآگاه و ناخودآگاه تشکیل شده است، ضمیر ناخودآگاه به دو لایه‌ی فردی و جمعی تقسیم می‌گردد، در لایه‌ی فردی ضمیر ناخودآگاه خاطرات مربوط به دوران کودکی انسان نگاه داشته می‌شود و لایه‌ی جمعی ضمیر ناخودآگاه مربوط به دوران پیش از کودکی و بازمانده‌ی حیات اجدادی است. (رک: گوستاو یونگ، 1385: بیست و چهار - سی و پنج)

هم چنان که بشر برخی از خصوصیات جسمی و اخلاقی را از اجداد خود به ارث می‌برد برخی از خاطرات، رویاها و افسانه‌هایی که در بین نسل‌های گذشته وجود داشته در ضمیر ناخودآگاه افراد ته نشین می‌شود و گاه گاه در زبان و بعد خودآگاه نسل‌های بعد جلوه‌گر می‌شود و از آنجا که نسل بشر از یک جفت مرد و زن تکثیر و تداوم یافته و به ادوار بعد

رسیده، بدیهی است که بسیاری از خاطرات و اساطیر نیز جدا از خصوصیات جسمی و اخلاقی به نسل های بعد رسیده باشد، از این رو اشتراک رویاها، افسانه ها ، اساطیر و روایات در بین نسل های مختلف بشر امری روشن و عادی است، چنانکه امروز اخلاط بسیاری از روایات مربوط به جمشید و پیامبران سامی را می توان در آثار گذشتگان مشاهده نمود.

به وجوه اشتراک جمشید و سلیمان در بسیاری از مقالات و کتاب ها اشاره شده است که از آن جمله می توان به آرامش دوران جمشید و سلیمان، حاکمیت مطلق دوران هر یک و مقام و رتبه‌ی مذهبی و استجابت دعای ایشان از سوی پروردگار اشاره نمود؛ گذشته از این افعال، ابزار و سنن مشترکی نیز به آن دو منسوب است که می توان به تخت و سرپرده‌ی کیانی، حلقه‌ی زرین و عصای زر نشان ، جشن نوروز و کشتی های تجاری اشاره کرد .

گذشته از وجوه اشتراک جمشید و سلیمان می توان بین جمشید و سایر پیامبران سامی نیز به جنبه های مشترکی دست یافت که از آن جمله می توان به داوود و نوح اشاره کرد.

پیشینه، روش و اهداف تحقیق :

در آثار و اشعار مختلف ادبی، درباره نقاط مشترک بین شخصیت های هندوایرانی با پیامبران سامی اشاره های متعددی شده است، اما در هیچ اثری این وجوه به طور کامل و جدا مورد بررسی قرار نگرفته اند. این مقاله جهت دستیابی و تصریح برخی اهداف از جمله: بررسی شخصیت جمشید در آثار زردشتی، ذکر خویشکاری های مشترک جمشید با پیامبران سامی، بررسی وجوه مشترک جمشید با نوح و داوود نبی، بر شمردن این شباهت ها و در نهایت، رویکرد شرعی شاهنامه نگاشته شده است.

به این منظور، نخست به شخصیت پیامبر مورد نظر در قرآن، منابع یهودی، قصص اسلامی و تاریخ بلعمی اشاره شده و پس از آن با توجه به روایات زردشتی و شاهنامه در مورد جمشید، جنبه های مشابه بیان گردیده است.

این تحقیق جنبه ی کاربردی داشته و روش آن ، بر اساس گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و استفاده از اسناد و مدارک است، ابزار گردآوری اطلاعات ، فیش برداری و نمونه برداری، استفاده از بانک های اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی و مقایسه ای می باشد.

-جمشید و داوود نبی:

حضرت داوود:

حضرت داوود (ع) از دیگر پیامبران سامی است که می توان بین زندگی او و جمشید به نشانه های مشترکی دست یافت. داوود فرزند «ایشا» از احفاد «یهودا» فرزند «یعقوب» بود که ذکر او در آیه ی 25 سوره ی مبارکه ی بقره، 631 سوره ی نساء 78 سوره ی مائده، 84 سوره ی انعام، 55 سوره ی اسراء، آیات 78 و 79 سوره ی انبیا، 15 و 16 سوره ی نمل، آیات 10 و 12 سوره ی سبا و آیات 20، 22، 24 و 26 سوره ی مبارکه ی «ص» آمده است.

بر اساس تفاسیر و قصص قرآن، داوود صاحب مقام پادشاهی و پیغمبری بود، خدای تعالی زبور را بر او نازل کرد. آهن را در دست او نرم کرد و صنعت زره سازی را به او آموخت، بنا بر تفاسیر، داوود به فضل الهی از چنان آواز دلپذیری برخوردار بود که چون به تسبیح و ذکر حق مشغول می شد، کوه و پرندة با او هم آواز می شدند، چنانچه از مضامین آیات قرآن بر می آید،

بعثت داوود برای اصلاح دستگاه قضایی بنی اسرائیل بود، خدای تعالی داوود را که مردی با انصاف، خداپرست و عادل بود در میان بنی اسرائیل برانگیخت و امور قضایی را به او سپرد تا عدل الهی رعایت شود.

در کتب بنی اسرائیل به داوود نبی نسبت‌هایی داده شده که از آن جمله می‌توان به ازدواج او با زوجه‌ی اوریا اشاره کرد؛ اوریا جوانی از اسرائیل بود که زنی زیبا داشت، داوود در پی عشق این زن و تصاحب او، اوریا را به جنگ فرستاد تا با کشته شدن او، همسرش را به دست آورد. باید در نظر داشت که این نسبت‌ها از معمولات یهود است و حضرت علی (ع) در نقض این نسبت بیان داشته‌اند:

«هیچ مردی را پیش من نخواهند آورد که چنین پندارد که داوود زن اوریا را به همسری گرفت مگر آنکه دو حد بر او جاری خواهیم کرد یکی حد نبوت و دیگر حد اسلام.» (بلاغی، 1373: 358)

وجوه اشتراک جمشید و داوود نبی:

1- صنعت زره سازی:

بنا بر تفاسیر قرآن کریم و روایات شاهنامه، یکی از افعال مشترک جمشید و داوود نبی، نرم کردن آهن و ساختن پوشش‌های جنگی مختلف بود.

«بر اساس تفسیر مفسران خداوند آهن را برای داوود نرم گردانید و او با بهره‌گیری از این فیض الهی، آهن را با دست مفتول می‌کرد و آن‌ها در هم می‌بافت و زره می‌ساخت.» (اشرف زاده، 1386: 67)

در آیه 80 سوره‌ی انبیاء و 10 و 11 سوره‌ی سبا آمده:

وَ عَلَّمَاهُ صَنْعَهُ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحَصِّنَكُمْ مِنْ بَاسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ. ¹ (انبیاء/ 80)

وَأَلْقَدْنَا دَاوُودَ مِثْلًا فُضْلًا يَا جِبَالُ أَوْبَى مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارَ لَهُ الْحَدِيدُ. ² (سبا/ 10)

أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. ³ (سبا/ 11)

«بنا بر مسطورات تورات، پوشیدن زره در بنی اسرائیل قبل از داوود معمول بود، تورات از زره سازی داوود سخن نگفته است، ولی شکی نیست که وی در فنون جنگی مهارت ابداعی داشته و مهارت و ابداع خود را در ساختن ساز و برگ جنگی به کار برده است.

شاید پیش از داوود زره را از برنج یا کتان می‌ساختند و حضرت داوود از آهن زره ساخته یا اینکه در شکل آن ابداعی به وجود آورده و مطابق اصول فنی به این کار دست زده شده باشد.

چنانکه جمله‌ی (وقد فی السرد) اشاره به نوعی ابداع است.

قرآن مجید از زره‌های ساخته‌ی دست داوود به نام لبوس و سابقات یاد کرده است از این عناوین می‌توان نتیجه گرفت که زره‌های حضرت داوود سراپای مرد جنگی را می‌پوشانیده است.» (خزائی: 1371: 308)

صنعت زره سازی جمشید:

بر اساس شاهنامه، نرم کردن آهن و ساختن خود، زره و جوشن جزو افعال جمشید است، وی در پنجاه سال نخست شاهی خود:

در نام جستن به گردان سپرد

نخست آلت جنگ را دست برد

به فرّ کبی نرم کرد آهنا

چو خود و زره کرد و چون جوشنا

چو خفتان و چون تیغ و برگستوان

همه کرد پیدا بر روشن روان

(شاهنامه، ج1/ 366-368)

2- گناهکاری:

بنا بر آیات قرآن کریم، روایات زردشتی و شاهنامه جمشید و داوود مرتکب گناهی شدند. در کتاب مقدس قرآن گناه داوود پیروی از هوای نفس، انحراف از راه حق و داوری ناعادلانه است که در نهایت به آزمایش الهی، توبه، بازگشت و بخشش حق منتهی شد. (آیات 16-25 «ص»)

در کتاب تورات به داوود(ع) گناهی بزرگ و زشت نسبت داده شده و آن ازدواج با زوجه‌ی اوریاست. (ر،ک: خزائلی، 1371: 308)

«در تورات مسطور است که پیش از مرگ اوریاء، داوود با زوجه‌اش هم بستر شد.» (همان.)

گناه جمشید در روایات زردشتی:

در اوستا، روایات زردشتی و ودایی جمشید در زمره‌ی گناهکارانی است که در نهایت مورد بخشش اهورامزدا قرار گرفت. (ر،ک. روایت پهلوی، فصل سی و یکم (توبه جم)).

گناه جمشید در شاهنامه فردوسی:

گناه جمشید در شاهنامه، خودبینی، غرور و ادعای خدایی است که موجب جدایی فره‌ی ایزدی و در نهایت مرگ دردناک او گردید:

ز یزدان بپیچید و شد ناسپاس

منی کرد آن شاه یزدان شناس

چه مایه سخن، پیش ایشان، براند!

گرانمایگان را ز لشکر بخواند

که «جز خویشتن را، ندانم جهان

چنین گفت با سالخورده مهان

چو من نامور، تخت شاهی ندید

هنر در جهان از من آمد پدید

چنان است گیتی کجا خواستم

جهان را به خوبی من آراستم

همان پوشش و کامتان از من است

خور و خواب و آرامتان از من است

که گوید که جز من کسی پادشاست؟»

بزرگی و دیهیم شاهی مراست

همه موبدان سرفکنده نگون	چرا کس نیارست، گفتن، نه چون
چو این گفته شد، فرّ یزدان از اوی	بگشت و جهان شد پر از گفت و گوی
هنر چون بپوست با کردگار	شکست اندر آورد و برگشت کار
چه گفت آن سخنگوی با فرّ و هوش؟	که «خسرو شدی، بندگی را، بکوش.»
به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس	به دلش اندر آید ز هر سو هراس
به جمشید بر، تیره گون گشت روز	همی کاست آن فرّ گیتی فروز

(شاهنامه، ج 1 / 418-430)

- جمشید و نوح:

حضرت نوح:

نوح از دیگر پیامبران سامی است که می‌توان بین زندگی او و جمشید به وجوه مشترکی دست یافت.

نوح در قرآن:

نوح از پیامبران اولوالعزم الهی است که ذکر آن در آیات 27، 31، 71 و 107 سوره‌ی مبارکه‌ی هود، 72 و 74 سوره‌ی یونس، 3 سوره‌ی بین اسرائیل، 81 سوره‌ی صافات و آیه 71 سوره‌ی نوح و... آمده است.

سرگذشت نوح به طور تفصیل در سوره‌های اعراف، هود، مؤمنین، شعراء، قمر و نوح با عبارات گوناگون و برای مقاصد تبلیغی بیان شده است. در تورات به نوح رتبه‌ی نبوت داده نشده و در منابع یهود، از او به عنوان نذیر و مبلغ یاد گردیده، همچنین درباره قوم نوح و کشتی او هم اشاراتی آمده است.

بنا بر آیه‌ی 14 سوره عنکبوت مدت نبوت حضرت نوح (ع) 950 سال بود.

او اولین پیامبری بود که در زمان وی عذاب محتوم الهی نازل گردید.

بر طبق داستان نوح در سوره‌های هود و قمر و نوح... : او یکی از پیامبران الهی بود که به دنبال تحقیر و عدم قبول مردم از پرستش حق و نجات از طوفان محتوم الهی مأمور به ساخت کشتی گردید، پس از پایان ساخت کشتی نوح، طوفان موعود از تنور خانه‌ی پیرزنی که بنا به مشهور همسر او بود به وقوع پیوست. در این طوفان همسر و پسر نوح با سایر گناهکاران غرق شدند و پس از پایان طوفان، کشتی نوح به امر الهی بر فراز کوه جدی قرار گرفت و آب فرو نشست و...

نوح در قصص اسلامی:

بر حسب قصص اسلامی نوح 1490 سال عمر کرد و هنگام وقوع طوفان 950 سال داشت، همسر او «واسعه» نام داشت و گناهش معرفی نوح به عنوان مجنون به مردم بود. در قصص اسلامی بنا به آنچه در تورات آمده پسران نوح حام و یافث نام داشتند و فرزند گناهکار او هم به نام کنعان بود. نوح در پی عدم اطاعت مردم از امر حق، کشتی خود را ساخت، این کشتی

هفت طبقه بود و هر طبقه 9 قسمت داشت، نوح حیوانات و تخم گیاهان مختلف را با خود به کشتی برد و تعداد افراد سکنه‌ی کشتی 70-80 نفر بود.

به عقیده‌ی راویان قصص قرآن نخستین حیوانی که وارد کشتی شد مورچه بود، هم چنین نخستین پرنده‌ی ای که از کشتی نوح خارج شد کلاغ بود که به امر نوح برای سنجش آب بازمانده از طوفان بیرون رفت؛ بر حسب قصص قرآن، کلاغ بر سر لاشه‌ی ای نشست و امر نوح را از یاد برد، پس از آن کبوتر در حالی که با یک برگ انجیر در منقار و مقداری خزه در پای داشت برگشت و به پاداش این کار طوقی به او عطا گردید و در زمره‌ی پرندگان اهلی درآمد.

بنا به قصص قرآن در طوفان نوح همه‌ی زمین از آب پوشیده شد و کشتی نوح بر فراز کوه جودی فرود آمد و سکنه‌ی کشتی در روز عاشورا از آن خارج شدند و شکر خدا را به جا آوردند. (با تلخیص: بلاغی، 1373: 27-33)

نوح در منابع یهود:

در منابع یهود، نوح به عنوان یکی از نذیران و مبلغان الهی معرفی شده، که به دنبال عدم اطاعت مردم از امر حق و کیفر آب گرم از سوی پروردگار مأمور به ساخت کشتی نوح گردید.

سرگذشت نوح در تاریخ بلعمی:

در تاریخ بلعمی، نوح یکی از پیامبران الهی در زمان بیوراسب است.

طبق تاریخ بلعمی زندگانی نوح هزار سال بود، در پنجاه سالگی به پیغمبری رسید، همسر او زنی کافر بود که در وقت عذاب موعود، طوفان از تنور خانه‌ی او جوشید. فرزندان نوح در تاریخ بلعمی سام، حام، یافث و کنعان نام دارند.

عرب و عجم از نسل سام هستند و سیاهان حبش، زنگیان، هندوان و کافران از نسل حام، و ترکان و اقوام یاجوج، مأجوج و سقلاّب از تخمه‌ی یافث، بنا به گزارش تاریخ بلعمی فرزند دیگر نوح، کنعان به علت نافرمانی و نپذیرفتن دعوت پدر، در اثر طوفان از بین رفت.

در تاریخ بلعمی طبق آیه‌ی 26 سوره‌ی نوح: «رَبِّ لَاتَذْرَعَلِی الْاَرْضِ مِنَ الْکَافِرِیْنَ دِیَارًا» قوم نوح به عذاب الهی مبتلا شدند، حضرت نوح طبق دستور الهی قبل از طوفان جهت نجات مطیعان حق و امتداد نسل بشری کشتی نوح را به یاری جبرائیل ساخت، ساخت کشتی نوح چهل سال طول کشید، این کشتی سه طبقه داشت، که در آن سه طبقه 84 نفر از فرمان‌برداران حق، چهار پایان و مرغان جای گرفته بودند.

طبق روایت تاریخ بلعمی، نوح، جسد حضرت آدم را هم با خود به کشتی برد، طی چهل شبانه روز آب از زمین برآمد و طوفان شش ماه ادامه داشت و پس از آن کشتی نوح به امر الهی بر سر کوه جودی فرود آمد و در دهم محرم عاشورا نوح و پیروانش از کشتی به زیر آمدند. (با تلخیص: بلعمی، 1371: 37-42)

وجوه اشتراک جمشید و نوح:

1- وقوع طوفان:

بنا بر آیات قرآن و روایات زردشتی در زمان جمشید و نوح طوفان عظیمی به وقوع پیوست.

بر حسب آیات الهی، پس از انجام امر رسالت از سوی نوح و تکذیب و نافرمانی امر حق؛ طوفان محتوم الهی بر سر خلق نافرمان نازل شد، با توجه به آیه‌ی 27 سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون، آغاز این طوفان از تنور خانه‌ی پیرزنی بود که بنا به تفاسیر همسر نوح بود.

بر حسب اشارات مختلف و مکرر وندیداد در زمان جمشید نیز سرمایه‌ی سخت و سرد به وقوع پیوست.

زمستانی که از بلندترین کوه‌ها تا ژرفای رودخانه‌ها را در برگرفت و اگر ور جمشید نبود تنها $\frac{1}{4}$ چهارپایان از آن نجات می‌یافتند. (ر،ک: وندیداد، فرگرد دوم، بند 22)

هرچند که سرمای سرد و سوزان ایرانویچ با طوفان زمان نوح مشترک است اما باید در نظر داشت، طوفان نوح عذابی الهی است جهت تکفیر مردمانی که به پیامبر خدا ایمان نیاوردند؛ اما در طوفان مرکوس یا ملکوس زمان جمشید سخنی از نزول عذاب و تأدیب خلق نیست، این طوفان حادثه‌ای است طبیعی که چون دیگر بحث‌های اساطیری به مسأله‌ی شر و خیر و نموده‌های اهریمنی مربوط می‌شود.

بنا بر آیات قرآن، نوح پس از نهصد و پنجاه سال دعوت خلق به سوی خداوند، رنجیده خاطر از تکذیب مردم بر هلاک کافرین خود دعا کرد:

ربّ لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا (نوح / 26)

و خداوند طوفان سخت و عظیم خود را بر سر خلق کافر نازل نمود.

علاوه بر این طوفان نوح پس از سال‌ها خشکسالی به وقوع پیوست، این طوفان همراه با سیل و طغیان آب رودها بود که در نهایت منجر به مرگ عظیمی از کفار شد، در صورتی که طوفان دوران جمشید مربوط به همان یخ بندان و زمستان ایرانویچ است که هنوز در منطقه‌ی روسیه و اطراف رود ینی سئی ادامه دارد.

2- کشتی نوح و ورجمکرد:

بنا بر آیات قرآن و روایات زردشتی، جمشید و نوح برای نجات خلق از طوفان عظیم موعود، مأمور به ساختن ور، و کشتی عظیمی شدند که از سوی خداوند امر شده بود.

بنا بر قصص قرآن، نوح از چوب درخت کاج کشتی ساخت که سبب ارش طول آن بود و پنجاه ارش عرض آن، این کشتی سه طبقه بود، در طبقه‌ی زیرین آن حیوانات وحشی و درندگان قرار گرفته بودند در طبقه‌ی وسط چهارپایان و پرندگان بودند و در طبقه‌ی بالای آن، آدمیان جای داشتند.

در این کشتی گوهری از نوری و ظلمت بود، از روشنایی گوهر نورانی روزها روشن می‌شد و از تاریکی گوهر ظلمت شب‌ها تاریک می‌گشت، بنا بر تفاسیر الهی نوح و یارانش در زمان وقوع طوفان شش ماه در کشتی بودند.

پس از پایان طوفان کشتی بر سر کوه جدی قرار گرفت و ساکنان آن در روز عاشورا با تعیین مقدار آب بازمانده از سوی کبوتر، از کشتی خارج شدند. (ر،ک: عقیق نیشابوری، 1365: 128-133)

با توجه به وندیداد نیز، جمشید به امر اهورامزدا، شهری زیرزمینی ساخت که به درازای یک میدان اسب دوانی بود، او در آنجا مرغزارها، انبارها و خانه‌هایی بنا کرد، بخش‌های مختلف آن را با نقش انگشتری زرین خود نشان نمود و تخم چارپایان،

پزندگان... و مردمان زیبا را بدان جا برد، دین مزدآپرستی، توسط مرغی به خانه های ور برده شد، و مردمانش به زیباترین زندگی خود در آنجا ادامه دادند. (ر،ک: وندیداد، فرگرد دوم، بند: 24-43)

«بین ور جمشید و کشتی نوح با همه‌ی شباهت‌ها، نقاط متفاوتی هم وجود دارد، از جمله اینکه کشتی نوح نسبت به باغ ورجمکرد بسیار کوچک‌تر است و به طور مسلّم ظرفیت جایگیری اقوام، حیوانات، گیاهان و لوازم نخستین زندگی را ندارد در صورتیکه باغ جمشید یا شهر زیرزمینی جمشید وسعت پذیرش جانداران زیادی را دارد.» (پوردادود، 2536، ج: 1، 185)

مردم ورجمکرد پس از سرمای سرد عظیم مرکوس به زندگی آرام و بی دغدغهی خود در شهر زیرزمینی جمشید ادامه دادند و یاران نوح نبی پس از پایان طوفان از کشتی به بیرون می‌آیند و زندگی خود را سپری می‌کنند.

جمشید اساطیر ایرانی به امر و راهنمایی اهورامزدا، ور را ساخت و هیچ‌گاه از سوی اقوام نجیب آریایی مورد تمسخر قرار نگرفت، اقوام ایرانی در ورجمکرد شاد بودند و هر چهل سال از هر جفت از ایشان جفتی زاده می‌شد، در ور جمشید هیچ‌گاه تابستان و زمستان چیره نشد و از هر آنچه که در گیتی بود در آنجا هم نشانی بود. (ر،ک: وندیداد، فرگرد دوم، بند 41)

(بندهش، بخش 17، بند 210)

خاستگاه طوفان و کشتی نوح:

«امروزه منشأ روایت عهد عتیق (پیمان کهن) درباره‌ی طوفان نوح شناخته است.

طوفان رویدادی است واقعی که کهن‌ترین مدرک مکتوب ما درباره‌ی آن، الواح سومری است که کشف و خوانده شده است. باستان‌شناسان با حفاری‌هایی که در ناحیه‌ی بین‌النهرین انجام داده‌اند، ثابت کرده‌اند که طوفان در چه زمانی و بر اثر چه حوادث طبیعی روی داده است.

بنا بر روایات کهن سومری، پس از آنکه خدایان تصمیم می‌گیرند که به وسیله‌ی طوفانی نوع بشر را نابود کنند یکی از خدایان مخالف بر «زیوسدرا» که پادشاهی نیک سرشت و عادل بود آشکار می‌شود و او را از حادثه‌ی طوفان آگاه می‌سازد، زیوسدرا، چنان که خدایان به او می‌آموزند برای نجات از طوفان کشتی بزرگی می‌سازد، و در هنگام طوفان در آن می‌نشیند، طوفان هفت شبانه روز، ادامه می‌یابد، پس از آن «اوتو» (uto)، خداوندگار خورشید در آسمان ظاهر می‌شود، آب در زمین فرو می‌رود، زیوسدرا، به ستایش خدایان مشغول می‌شود و خدایان نیز او را در جرگه‌ی خود پذیرفته و به مقام خدایی مفتخرش می‌سازند.

بابلی‌ها روایت طوفان را که در زمان سومری‌ها روی داده بود اخذ کرد و در افسانه‌های خود با کم و بیشی دگرگونی جای دادند. روایات مکتوب طوفان بابلی نیز به موجب الواح مکشوفه در بین‌النهرین خوانده و ترجمه شده است. به موجب این الواح یکی از خدایان مصمم می‌شود تا طوفانی هراس‌انگیز برانگیخته و نسل آدمیان را تباه سازد. اما یکی از خدایان این سرمکتوم را فاش می‌سازد. در این جا نیز تنی چند از خدایان به پشتیبانی یکی از مردان نیک به نام - «اوت نپیش تیم» (uto napishtim) پسر «اوب رتو تو» (bara tutu) برمی‌خیزند و این اوت نپیش تیم در واقع همان «زیوسد را» ی سومری است و این هر دو نوح هستند در طوفان سومری و بابلی.

«اوت نپیش تیم» به دستور خدایان کشتی بزرگی ساخته و با خانواده‌ی خود در آن می‌نشیند. هفت روز طوفانی سخت و دهشت‌زا در می‌گیرد و آب از کوه‌ها می‌گذرد و همه‌ی مردمان و جانداران دیگر هلاک می‌شوند. «اوت نپیش تیم» پرنده-یی، کبوتر یا کلاغی را از کشتی پس از اتمام توفان پرواز می‌دهد. آن پرنده بر قلّه‌ی کوهی می‌نشیند، پس نوح بابلی کشتی را بر قلّه‌ی همان کوه هدایت کرده و پس از فرود آمدن مراسم ستایش و قربانی برای خدایان به جا می‌آورد.

بابلی‌ها افسانه‌ی طوفان را از سومری‌ها اقتباس کردند. و سومری‌ها از واقعیت چنین رویدادی که عبارت از طغیان شدید رود دجله و فرات بود افسانه ساختند و نویسندگان یا نویسندگی سفر پیدایش بی‌گمان افسانه‌ی نوح را از روی روایات

سومری و بابلی تنظیم کرده، چون موارد همانند در روایات به اندازه یی است که جای تردید باقی نمی‌گذارد.» (با تلخیص: رضی، 1346، ج 3، 1514-1517)

و اما مسأله‌ی سرمای سرد و سوزان، اصالتی منحصر به فرد دارد و بر مبنای یک واقعه‌ی طبیعی به وسیله‌ی راویان منظم و نوشته شده است و این مسأله‌ی به اثبات رسیده که آریان‌های هندوایرانی به واسطه‌ی سرمای سخت موطن نخستشان بود که مجبور به مهاجرت به سوی فلات ایران شدند کما اینکه حفاری‌های باستان‌شناسی این مسأله‌ی را به اثبات رسانده است.

نتیجه :

جمشید از شخصیت‌های مشترک هندوایرانی است که بر اثر تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مهم‌تر از همه مذهبی و هماهنگی با خرد به صورت شفاهی و سینه به سینه توسط گوسانها و رامشگران از عالم اسطوره به حماسه در آمده است.

با تأمل در شخصیت جمشید و پیامبران سامی از جمله سلیمان می‌توان به وجوه اشتراک و افتراقی بین آن دو دست رسید، این امر را باید در چند مورد جستجو نمود، اول اینکه بنا به نظر کارل گوستاو یونگ بدین علت که بشر بسیاری از ویژگی‌های مشترک و بنیادین اجداد خود را به ارث می‌برد بسیاری از افسانه‌ی کهن نیاکان در ناخودآگاه جمعی انسان نگاه داشته می‌شود و سینه به سینه نقل می‌شود و بدیهی است که همانندی‌هایی در داستان‌های ملل مختلف وجود داشته باشد، مسأله‌ی دیگر مربوط به کهن الگوهای است که در بیشتر اساطیر ملل تکرار می‌شود، علاوه بر این باید در نظر گرفت که هر ملتی سعی می‌کند که کلیه‌ی اختراعات و اکتشافات و افعال نژاد بشر را به اجداد خود منسوب کند و قهرمانان بزرگ اساطیری و حماسی را به نژاد خود نسبت دهد، مسأله‌ی دیگر و مهم‌ترین موضوع در اشتراک اساطیر و افسانه‌های ملل تأثیر پذیری یک ملت از ملت دیگر است که درباره‌ی اشتراک شاهان آریایی و پیامبران سامی صدق می‌کند، مسأله‌ی دیگر این است که پس از ظهور اسلام از آنجا که پرداختن به مجوسیات دشوار می‌نمود، بسیاری از روایات و افسانه‌های نیاکان ایرانی جهت محفوظ ماندن به نام پیامبران بنی اسرائیل ثبت گردید.

اما اکنون و با توجه به اینکه نام برخی از این پیامبران از جمله سلیمان به غیر از تورات در کتاب مقدس قرآن هم آمده و با نظر به اینکه کتاب تورات مورد تحریف قرار گرفته و با توجه به اینکه کتاب اوستا $\frac{1}{34}$ اوستای اصلی است و به طور قطع این کتاب هم مورد تحریف واقع شده و تخیل و نظر راویان و منشیان خواسته و ناخواسته در آن وارد شده است و با توجه به این مورد مهم که قرآن کریم به هیچ وجه تحریف نشده است باید قائل به این باشیم که برخی از افعال مشترکی که به نام جمشید و پیامبران سامی ثبت گردیده، جزو افعال آنان است.

پی نوشت:

1. و ما به داوود صنعت زره ساختن آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد. آیا شکر به جا می‌آورد؟ و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (10/ سبا) آهن سخت را به دست او نرم گردانیدیم. (انبیاء/80)
2. و ما خطّ و بهره داوود را به فضل و کرم خود کاملاً افزودیم و امر کردیم که ای کوه‌ها و ای مرغان شما با تسبیح و نغمه-ی الهی داوود هماهنگ شوید و آهن را به دست او نرم گردانیدیم. (سبا/10)
3. و به او دستور دادیم که از آهن زره بسازد، حلقه‌ی زره، را به اندازه‌ی و یک شکل گردان تا بدن را نرم و نگهبان باشد و خود با قومت همه نیکوکار باشد که من کاملاً به هر چه کنید آگاهم. (سبا/11)

کتابنامه:

-قران کریم.

- اشرف زاده ، رضا ، 1386 ، فرهنگ بازیافته های ادبی از متون پیشین ، نشر سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد: مشهد.
- بلاغی ، صدر . 1373 . قصص قرآن . چ 16 . تهران : امیر کبیر .
- بلعمی ، ابو علی محمد بن محمد . 1371 . گزیده تاریخ بلعمی . انتخاب و شرح : انزایی نژاد ، رضا . چ 4 . تهران : امیر کبیر.
- پور داوود ، ابراهیم . 2536 . یشت ها . ج 1 ، 2 ، چ 3 . تهران : انتشارات دانشگاه تهران .
- خزائلی ، محمد . 1371 . اعلام قرآن . چ 4 . تهران : سپهر .
- دادگی ، فرنبنگ ، 1385 ، بندهش ، گزارش : بهار، مهرداد ، نشر توس : تهران.
- رضی ، هاشم ، 1346 ، فرهنگ نام های اوستا ، نشر فروهر: تهران.
- رضی ، هاشم . 1388 . وندیداد (اوستا کهن ترین گنجینه مکتوب ایران باستان) . ج 1 ، 2 ، چ 1 . تهران : بهجت .
- عقیق نیشابوری ، ابوبکر ، 1365 ، قصص قرآن مجید (سور آبادی) ، به اهتمام: مهدوی ، یحیی ، نشر خوارزمی: تهران.
- فردوسی ، ابوالقاسم . 1389 . شاهنامه ، تصحیح : مول ، ژول . چ 6 . تهران:الهام.
- گوستاو یونگ، کارل، 1385 ، روان شناسی ضمیر نا خود آگاه ، ترجمه: امیری، محمد علی، انتشارات علمی و فرهنگی تهران:

- میر فخرایی ، مهشید ، 1390 ، روایت پهلوی ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی : تهران.